

## روند حفاظت در ایران از تاسیس اداره عتیقات تا قبل از انقلاب اسلامی

چکیده -

در این مقاله با استناد به شواهد و آثار موجود، سابقه روند حفاظت و مرمت در ایران را ارزیابی می‌کنیم. در این رهگذر به امر حفاظت از اشیاء، محوطه‌های باستانی، ابنیه و بافت‌های تاریخی در ایران می‌پردازیم و آن را به چهار دوره خاص تقسیم می‌کنیم و سه دوره آن را بررسی خواهیم کرد.

۱. دوره اول، بین سالهای ۱۰۷۹ تا ۱۳۰۷ هجری شمسی، یعنی دوره کشف آثار و شکل‌گیری تفکر حفاظت از میراث فرهنگی، هنری، تاریخی، به ویژه آثار باستانی کشور را در برمی‌گیرد؛ فقدان مقررات و کنترل لازم از خصوصیات این دوره است.

۲. دوره دوم، بین سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۳۹، یعنی دوران آغاز عملیات حفاظت، با اشاعه قانون عتیقات، که در سال ۱۳۰۹ به تصویب رسید.

۳. دوره سوم، بین سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۶، یعنی دوره‌ای که تلاش برای ایجاد یک سازمان حفاظتی مدرن چشمگیر است و این کار با تفکیک بخشهای مختلف حفاظت انجام می‌شود.

۴. دوره چهارم، بین سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۱. دوره چهارم که دربرگیرنده دوران پس از انقلاب اسلامی است، خود مقوله‌ای خاص است که در یک تحقیق مجزا باید به آن پرداخت.

در گزارش حاضر، سه دوره نخست (قبل از انقلاب اسلامی)، با نگرش به قوانین و مقررات جاری مربوطه ارزیابی می‌شود. به طور کلی، نظر مقاله حاضر معطوف به توجهی است که دولت در مقاطع مختلف تاریخ معاصر ایران، به ویژه از بدو مشروطیت به این سو، به این امر داشته است.

مقوله باستان‌شناسی در میان سایر مقوله‌های میراث فرهنگی در پی ریزی تفکر حفاظت و نگهداری از جایگاه نخست برخوردار است. اما آثاری که حیات دارند و در زندگی مدنی مشارکت فعال داشته‌اند نیز در دامنه ارزیابی این مقاله قرار می‌گیرند.

طبعاً، مباحث مربوط به میراث فرهنگی تحت تاثیر تحولات انقلاب صنعتی، در کشور ما نیز مانند سایر نقاط دنیا پا گرفت و آغاز آن تقریباً به دوران امیرکبیر، مصادف با انقلاب صنعتی اروپا ۱۲۲۷ ش. و ۱۸۴۸ م. برمی‌گردد.

در ایران پاگرفتن تشکیلات مرتبط و مناسب با این روند با تحقق عملی اقدامهای ضروری در این مسیر آغاز می‌شود. به این ترتیب، اداره عتیقات در سال ۱۲۹۷ شمسی، و انجمن آثار ملی در ۱۳۰۰ شمسی تشکیل می‌شوند و تنظیم اساسنامه مربوطه را در ۱۳۰۴ شمسی می‌توان از شواهد آن به حساب آورد. در

دکتر اصغر محمد مرادی\*

پژوهش حاضر به اقدامهای عمده‌ای می‌پردازیم که در تاریخ حفاظت از محوطه‌ها، ابنیه، و بافتهای قدیمی نقاط عطف تلقی می‌شوند. در ضمن، عمده‌ترین تنگناهای فرهنگی ناشی از فقدان مبانی نظری منسجم برای دستیابی به راه کارهای آتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## واژه‌های کلیدی:

میراث فرهنگی؛ حفاظت؛ مرمت؛ احیا؛ وحدت بنا؛ حریم بنا؛ وحدت بافت؛ محیط تاریخی؛ محیط طبیعی؛ گذشته در آینده؛ آموزش فراگیر و جامع مرمت در تمام رشته‌ها و حوزه‌های فرهنگی.

برای بررسی وضعیت حفاظت از میراث فرهنگی در ایران، پیش از هر چیز، بررسی پیشینه آن در چند دهه اخیر ضروری به نظر می‌رسد. به طور کلی، روند حفاظت و پرداختن به آن در ایران را می‌توان در چهار دوره مشخص و متمایز بازشناخت:

الف، دوره اول. بین سالهای ۱۰۷۹ تا ۱۳۰۷ شمسی، برابر با ۱۸۰۰ تا ۱۹۲۸ میلادی؛

ب، دوره دوم. بین سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۳۹ شمسی، مصادف با ۱۹۲۸ تا ۱۹۶۰ میلادی؛

ج، دوره سوم. بین سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۶ شمسی، مصادف با ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۷ میلادی؛

د، دوره چهارم، بین سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۶ شمسی، مصادف با ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۷ میلادی.

### الف، دوره اول.

این دوره با کشف آثار باستانی و شکل‌گیری اندیشه حفاظت از میراث فرهنگی، هنری، تاریخی، بخصوص میراث باستانی کشور، مصادف است. در این دوره، به علت فقدان کنترل لازم و نیز نبودن مقررات و ضوابط مدون و مشخص، بخش عمده آثار منقول و اشیای یافت شده ناشی از حفاریها، راهی کلکسیون‌های شخصی و موزه کشورهای غربی می‌شوند. (۱۲۷۰ شمسی، مصادف با ۱۸۹۳ میلادی).<sup>(۱)</sup>

در سال ۱۲۷۲ شمسی یک هیئت فرانسوی با کسب اجازه مخصوص از دولت وقت قاجار، پژوهش و فعالیت تحقیقاتی پیگیری را در زمینه پژوهشهای باستانی به عمل می‌آورد.

این مجوز که زمینه را برای سوء استفاده باستانشناسان خارجی فراهم می‌آورد، زمانی به هیئت فرانسوی اعطا می‌شود که دولت وقت قاجار مبالغ گزافی به فرانسه بدهکار است.<sup>(۲)</sup>

پس از عقید قرارداد یاد شده، هیئت فرانسوی تحت عنوان "Delegation en Perse" انحصار کلیه کاوشگریها و حفاریهای باستان‌شناسی و عتیقات در تمام ایران را برعهده می‌گیرد. این هیئت حفاریهای باستان‌شناسی را بدون هیچ گونه کنترلی از جانب مقامات ایرانی شروع می‌کند، و اجازه انجام عملیات اکتشافی و حفاری از سایر دولتهای خارجی سلب می‌شود.

فعالیت عمده هیئت یاد شده در حفاری شهر شوش پایتخت ایلامی‌ها متمرکز بود.

هیئت فرانسوی در سال ۱۲۷۴ شمسی کار خود را در شوش بیه سرپرستی ژاک دومورگان<sup>(۳)</sup> آغاز می‌کند. نتایج عملی این حفاریها بسیار ارزشمند بود، ولی تاراج اشیای باستانی و قطعات معماری به دست آمده در خلال حفاری چشمگیر بود. این اشیاء و قطعات معماری را به سرعت از کشور خارج و آنها را به موزه لور سرازیر کردند که هنوز در همانجا باقی مانده است. از جمله این آثار ارزشمند می‌توان از قانون هامورابی (مربوط به اوایل هزاره دوم پیش از میلاد) یاد کرد که بین سالهای ۱۲۷۸ تا ۱۲۷۹ در شوش یافت شده است.

هم اکنون قلعه‌ای که مورگان در شوش ساخته کماکان باقی است. وی این قلعه را برای صیانت از اعضای هیئت اکتشافی در مقابل حمله عشایر، با استفاده از مصالحی مشابه مصالح مصرفی در دوره ایلامی و هخامنشی ساخته است که الگوی این قلعه نمایشگر نفوذ خارجیان در آن دوره است. سالهای دهه ۱۹۰۰ نمایانگر آغاز مطالعات در زمینه مراکز و محوطه‌های بزرگ هخامنشی در تخت جمشید و پاسارگاد است که قبلاً جهانگردان و بخصوص فرانسوی‌ها در نیمه دوم قرن ۱۹ آن را شناسایی و بازدید کرده بودند.

همزمان با این دوره، راجع به آثار صدر اسلام، به ویژه نخستین آثار معماری دوران خلفای عباسی در سامره، بین سالهای ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ از جانب پژوهشگران آلمانی، از جمله ساره هرتسفلد<sup>(۴)</sup> انجام می‌گیرد.

۱ - Smith. M.B. گزارش هیئت یونسکو، دسامبر ۱۹۶۹، ص ۸: سال ۱۸۹۳، را می‌توان آغاز فعالیت هیئت‌های خارجی در ایران دانست... که در سال ۱۸۹۷ این اقدامات فاعلتر می‌شوند و تا سال ۱۹۲۹ ادامه می‌یابند.

۲ - ۱۸۹۶ همان سال جلوس مظفرالدین شاه به سلطنت است که برای تامین خزانه دولت مجبور به عقد قرارداد هایی با دولتهای خارجی شد.

3. Jagues de Morgan. sansoni firenze 1962,1 persian. A. Bausan

4. Sarre Herzfeld

می‌دانیم که امروزه حفاظت از میراث فرهنگی در ایجاد تعادل زیست محیطی نیز نقش بازی می‌کند و مرمت حوزه فعالیت خود را از حوزه محدود آثار باستانی به گستره وسیع‌تری گسترده است.

ب، دوره دوم

این دوره سرآغاز فعالیت در زمینه حفاظت و نگهداری به شمار می‌آید و می‌توان نقطه شروع آن را با اشاعه قانون عتیقات در پائیز ۱۳۰۷ همزمان دانست. این قانون در سال ۱۳۰۹ به تصویب رسید. همزمان با این دوره نخستین تجربه در زمینه فهرست بندی آثار منقول و غیرمنقول در حمایت فعال از اشیا انجام می‌گیرد.

در زمینه مرمت آثار و ابنیه، در همین ایام در حوزه هنر و معماری ایران تحقیقات منسجمی آغاز و به موازات آن در جهت شناسایی و شناساندن آثار و ابنیه نیز فعالیتهایی پایه گذاری می‌شود. گردآوری اشیا به منظور نگهداری در موزه‌ها نیز شروع می‌شود. این دوران با حکومت پهلوی اول و با دوران به اصطلاح نوسازی عمومی در کشور همزمان است. شرایط لازم برای تشکیل اداره باستان‌شناسی در ۱۳۰۷ شمسی فراهم آمد و در پی اعلام قانون عتیقات در ۱۳۰۹، فضای لازم برای اجرای آن در ۱۳۱۱ فراهم آمد.

اگرچه قانون مصوب سال ۱۳۰۹ مبنای خوبی برای شروع این روند بود، اما ابزارهای عمده تحقق چنین هدفی زمینه‌ای فرهنگی است که باید به موازات قانون پیش گفته، در زیربنای آموزشی کشور رسوخ، و زمینه فرهنگ عمومی را به طور هم زمان تقویت کند.

در این دوره، به هنرهای ایران در تمام دنیای غرب به خصوص آمریکا، توجه خاصی به چشم می‌خورد. از جمله شخصیت‌های مهم در این فرآیند، می‌توان از آرتور پوپ<sup>(۱)</sup> به عنوان یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران آمریکایی در باستان‌شناسی و مطالعات هنر ایرانی یاد کرد.

اکتشافات در زمینه تمدنهای باستان در این دوره زیاد است، اما نسبت به ابنیه و آثار ارزشمند سایر دوره‌ها، بخصوص دوره قاجار و صفوی، بی توجهی قابل تعمقی به چشم می‌خورد. از جمله بارزترین آنها می‌توان از بی اعتنائی نسبت به بناها و باغهای بزرگ صفوی در اصفهان و قزوین یاد کرد که با طرح‌های مختلفی که برای توسعه شهری پیش بینی شده بود، زمینه تخریب و انهدام بخش اعظمی از بناهای

ارزشمند دریافت قدیم این شهرها فراهم آمد.<sup>(۲)</sup>

از سوی دیگر، جاذبه قابل توجه در هنرهای ایران مربوط به دوران قبل و بعد از دوران اسلامی، باعث شد که هیئت‌های تحقیق و حفاری از آمریکا عازم ایران شوند و انحصار حضور فرانسویان در این امور، دیگر به پایان راه خود رسیده بود.

قانون حفاظت آثار باستانی که در سال ۱۳۰۹ تدوین شد، مجموعه‌ای از اصول را در مورد حدود فعالیت‌ها مشخص می‌کرد که به مرور زمان و با افزودن مفادی به آن، پایه و اساس موضوع حفاظت قرار گرفت. در اینجا به مفادی از قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ اشاره می‌کنیم:

ماده اول: «کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که تا پایان دوره سلسله زندیه در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیرمنقول با رعایت ماده ۳ این قانون می‌توان جزء آثار ملی ایران محسوب داشت و در تحت حفاظت و نظارت دولت می‌باشد.»<sup>(۳)</sup>

ماده ۵: «اشخاصی که مالک یا متصرف مالی باشند که در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد می‌توانند حق مالکیت یا تصرف خود را حفظ کنند لیکن نباید دولت را از اقداماتی که برای حفاظت آثار ملی لازم می‌داند ممانعت نمایند. در صورتی که عملیات دولت برای حفاظت مستلزم مخارجی شود دولت از مالک مطالبه عوارض نخواهد نمود و اقدامات

۱ - A.U.POPE آرتور پوپ در سال ۱۳۰۴ (آوریل ۱۹۲۵) در تهران همایشی برگزار کرد (در این هنگام سمت رضاخان رئیس الوزرای بود). دکتر عیسی صدیق در مقاله خود به تاثیر این همایش در حساس کردن رضاخان نسبت به موضوع آثار تاریخی اشاره می‌کند و بازتاب آن را گشودن اماکن مقدس به روی محققان خارجی می‌داند. از سوی دیگر، ظهور شیوه‌های نئوکلاسیک ایران از جمله نئوساسانی و نئوهخامنشی را حاصل این نگرش می‌داند که در آن زمان با احداث بناهایی مانند ساختمان بانک ملی، اداره پست، اداره مرکزی پلیس تهران، و مدرسه نظام در تهران این سبک تحقق عملی می‌یابد. حسین علاء طی سخنرانی خود در لندن در سال ۱۳۱۵ (۱۹۳۶)، که در کتاب Survey of Persin Art اثر پوپ، جلد پانزدهم به چاپ رسیده، می‌گوید که نخستین بازدید پوپ در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵ م)، منجر به دستاوردهای چشم‌گیری در زمینه حفاظت از ابنیه تاریخی و حمایت از صنایع سنتی شد که رژیم وقت متولی آن شد، و صدور مجوز برای بازدید از اماکن مقدس و عکس برداری از آنها در شناساندن جزئیات بی بدیل هنر ایرانی به غربی‌ها بسیار موثر افتاد که انتشار شماره اول مجله آثار ملی ایران نمونه آن است.

۲ - در مورد دخل و تصرف در بافت صفوی قزوین ر.ک. «گلریز، سیدمحمدعلی، مینو در باب الجته قزوین».

۳. «مجموعه قوانین، مقررات، آئین نامه‌ها، بخش نامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور» دفتر امور حقوقی و بین المللی سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶.

مزبور مالکیت را متزلزل نخواهد نمود.»<sup>(۱)</sup>

افزودن تبصره‌ها و بندهای جدید به قانون بالا ناشی از پدید آمدن شواهد و آثار ارزشمندی، همچون تندیس‌ها و حجاری‌های دورهٔ هخامنشی و ساسانی، از جمله نقش رستم و طاق بستان بود که می‌باید به نحوی مورد حمایت و حفاظت سازمان فوق‌تر قرار می‌گرفت. جذابیت استثنائی نهفته در این آثاری آمیزه‌ای از طبیعت و هنر را به چشم می‌نشانند، جلب توجه می‌کنند و وجودشان را به عنوان آثار ارزشمند و قابل حفاظت توجیه می‌کند.

همین امر دستمایه عمدهٔ تدوین نظریه‌ای کلی راجع به محوطه‌های تاریخی می‌شود که قبل از این زمان ضرورت آن تا این حد احساس نشده بود.

محدودهٔ زمانی مربوط به حمایت و حفاظت از ابنیه تاریخی (در قانون سال ۱۳۰۹) شامل آثاری می‌شود که از آغاز تا سال ۱۱۷۳ شمسی (پایان دوره زندیه) را در بر می‌گرفت. این ارزش‌گذاری که بر مبنای زمان تاریخی آثار استوار بود، به بروز نظریه‌های متفاوت و مباحث عدیده‌ای انجامید.

البته، این ارزش‌گذاری ثمرهٔ تفکری بود که آثار هنری و معماری یکصدوسی سالهٔ اخیر کشور را با ارزش کمتری می‌پنداشت، و در نتیجهٔ همین تفکر یکی از مهمترین بخش‌های هنری شامل آثار معماری و شهرسازی، بخصوص بافت‌های شهری یک قرن و نیم اخیر، کاملاً از حمایت محروم ماند؛ یعنی، نه تنها حمایتی از آنها به عمل نیامد، بلکه مجوز لازم برای هرگونه دخل و تصرف در آنها نیز صادر شد.

ولی در سال ۱۳۲۳، در این نحوهٔ ارزیابی تحولی اساسی رخ نمود. به این معنی که قانونی که حفاظت از آثار را تا شواهد موجود و مربوط به قبل از سال ۱۱۷۳ شمسی تحت الحمايه قرار می‌داد، اینک شامل آثار و شواهد هنری موجود تا سال ۱۲۸۴ شمسی می‌شد.<sup>(۲)</sup> اما، در قانون مربوط به سال ۱۳۰۹ تعریفی از اثر تاریخی - هنری ارائه نمی‌شود، بلکه ارزش‌گذاری بر مبنای زمان صورت می‌گیرد، و از سوی دیگر نگاه آن بیشتر به تک بناها معطوف است و اشکال عمدهٔ آن در نگاه تاریخی و نگاه تجاری است و به آثار معنوی توجهی نمی‌کند. می‌دانیم که اخیراً این محدودیت زمانی به طور کلی از میان برداشته شده است.<sup>(۳)</sup>

هم‌زمان با این رویدادها، در نقد آثار هنری سالهای ۱۱۷۹، بخصوص در ارتباط با سبک نقاشی این دوران در ایران، نیز تحولاتی اساسی پدید آمد. تأسیس موزهٔ نگارستان در تهران در سال ۱۳۲۴ (که به هنر قاجار اختصاص یافت)، دلیلی بر تحول در نگرش به آثار این دوره به شمار می‌آید. عملیات

کشور ما ضمن برخورداری از چشم‌اندازهای طبیعی بی‌نظیر، از لحاظ دارا بودن ابنیه تاریخی، محوطه‌ها و بافت‌های قدیمی ارزشمند، یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌آید. بدیهی است که پس از یک بررسی تحلیلی می‌توان آیندهٔ این حوزه را به عنوان (تاز) فعال و زنده در حیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور مطرح کرد و راهکارهای عملی و اجرایی را برای تقویت نگرش حفاظت، مرمت و احیای ابنیه، بافتها و محوطه‌های تاریخی استنتاج کرد.

حفراری مهمی از طریق هیئت باستانشناسی آمریکا در این دوران انجام گرفت که می‌توان مواردی از جمله «تخت جمشید» را برشمرد که مسئول بخش عمده‌ای از این حفراریهای باستانشناسی اریک اشمیت<sup>(۴)</sup>، و طراح و برنامه‌ریز آن پوپ بود. از جمله نهادهایی که با این هیئت همکاری کردند، می‌توان موزه هنرهای زیبای فیلادلفیا<sup>(۵)</sup>، دانشگاه پنسیلوانیا، موزه متروپولیتن نیویورک را برشمرد. مؤسسه مطالعات هنر و باستانشناسی ایران که در سال ۱۳۰۹ توسط پوپ تأسیس شده بود، در ایجاد روابط بین دو کشور نقشی مؤثر ایفا کرد.

سال ۱۳۲۹ را می‌توان سالهای آغازین فعالیت اداره باستانشناسی به حساب آورد که تا پیش از آن، فقط به عنوان مرجع نظارت و کنترل بر کار سایرین انجام وظیفه می‌کرد و به این ترتیب تلاش شد که اداره یاد شده به یک مرکز تحقیقاتی

۱. همان.

۲. این خبر بدون هیچ گونه نقد و تحلیلی از سری آقای نگهبان در مقالهٔ *Arheological Activity in Iran*، همچنین در جلد ۱۴ صفحات ۲۹۳۲ - ۲۹۳۰ کتاب *(Of Persian Art Asurvey)*، چاپ لندن و نیویورک به سال ۱۹۳۸ نقل شده است.

۳. قانون فهرست بندی آثار ملی تحت الحمايه (آبان و آذر سال ۱۳۵۲) اعلام می‌دارد که علاوه بر ابنیه‌ای که تحت حمایت قانون ۱۳۰۹ ه.ش قرار می‌گیرند، تمام ابنیه‌ای را که مرتبط با تاریخ و سنت ملی کشورند، بدون در نظر داشتن تاریخ احداث در شمار حمایت و حراست می‌آورد و بر مبنای همین تجدید نظر در قانون مربوط به سال ۱۳۰۹ زمینه مساعد برای ثبت آثاری، از جمله اثر شهید (شماره ثبت ۱۰۰۸)، به تاریخ ساخت ۱۹۷۱، و آرامگاه شیخ کبیر، به تاریخ ساخت ۱۹۷۲ در شیراز (با شماره ثبت ۱۰۴۳) فراهم آمد.

4. Erich Smith.

۵. در فیلادلفیا A.U.P محیط مناسبی برای تحقیقات فراهم کرد تاحدی که در سال ۱۹۲۶ نخستین کنگره بین‌المللی هنر و باستانشناسی در ایران و اولین نمایشگاه هنری ایران را تشکیل داد.

تبدیل شود. ولی به نظر نمی‌رسد که این سیاست جدید نیز ثمرات مفیدی در برداشته است، زیرا عمدتاً جنبه تشریفاتی موضوع مورد نظر بوده، ولی به هر صورت از این رهگذر نیروهای فرهنگی بومی در تحقیقات باستانشناسی حضور مستقیم پیدا می‌کنند و تأسیس مؤسسه باستانشناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، در همین جهت تحقق یافت. می‌توان گفت که این دو مؤسسه همکاری خود را با مؤسسه باستانشناسی المان و دانشگاه اوپسا<sup>(۱)</sup> در حفاری‌های تخت سلیمان در سال ۱۳۳۸ با سرپرستی فون در استن<sup>(۲)</sup> آغاز می‌کنند.

از جمله نخستین همکاری‌های بین‌المللی ایران با مؤسسات خارجی، می‌توان همکاری با مؤسسه ایزمئو<sup>(۳)</sup>، مؤسسه ایتالیایی برای تحقیقات در خاور نزدیک و دور، را برشمرد که در سال ۱۳۳۴ کاوشهایی را در سیستان آغاز کرد. از میان عملیات مرمتی مهمی که اداره باستان‌شناسی قبل از جنگ جهانی دوم انجام داد، می‌شود از مرمت مدرسه مظفریه و بخش انتهایی گنبد نظام الملک در مسجد جمعه اصفهان یاد کرد که در سال ۱۳۱۴ انجام گرفت.<sup>(۴)</sup> پس از جنگ، از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۹، می‌توان دهها مورد دیگر را در این زمینه برشمرد.<sup>(۵)</sup>

عملیات مرمتی در این دوره عمدتاً حول بازسازی بخشهای سازه‌ای متمرکز بوده و تعمیر آمود آجر و کاشی رانیز مدنظر داشته است. مرمت استحکامی سازه‌های طاقی و گنبدی با استفاده از میله‌های فلزی یا حلقه‌ها و کلاف‌های بتون آرمه انجام شده است. همزمان با مرمت در ورودی مسجد جامع یزد، یک خیابان جدید در مقابل این در ورودی گشوده شد. این گذرگاه عریض جدید، خیابانی مشجر (بولوار) به صورت مستقیم بود که با تخریب بافت تاریخی اطراف اجرا شد که شامل خانه‌های سنتی و دارای حیاط مرکزی بودند. این بافت تاریخی از هر جانب مسجد را احاطه کرده بود. اقدامهای مرمتی در مورد مسجد جامع یزد از تناقضی اساسی، از قرار مشروح در زیر متأثر بودند.

الف. بازسازی کامل آمود با استفاده از کاشی؛  
ب. تغییر در بنیان شهر قدیمی با تخریب و انهدام بخشی از بافت سنتی شهر که در بخش قدیمی سر در مسجد جامع با هدف ایجاد خیابان مشجر و ماشین رو، با پیاده‌روهای عریض و دارای مغازه در طبقه همکف ساختمانها اجرا شد.

این اقدام دو هدف عمده داشت: ۱. ایجاد چشم اندازی شهری؛ ۲. آماده کردن زمینه برای عبور وسیله‌های نقلیه موتوری.

اما، این اقدام به دگرگونی در ماهیت بافت سنتی انجامید؛ بافتی که سازگار با اقلیم، اعتقادات، معیشت و جغرافیای بومی شکل گرفته بود. این مداخله تجربه‌ای است متأثر از مدل‌های پیشین در جوامع اروپایی که بیش از نیم قرن قبل از آن اجرا شده و انتقادهای پر دامنه‌ای هم بر آن صورت گرفته و به عنوان اقدامی منفی مردود شناخته شده بود، اما در کشور ما به منظور تأمین نیاز ارتباطی و بدون توجه به روشهای مطالعه شده منطقی این کار تکرار شد. از سایر نمونه‌های مشابه این اقدام می‌توان به حاشیه مسجد جامع قزوین، مسجد و میدان کاشان، یا مسجد جمعه اصفهان، و مسجد جمعه کرمان اشاره کرد.

در هر یک از نمونه‌های بالا، ترکیب فضایی متفاوتی نوع مداخله را مشخص کرده است؛ از جمله عوامل یاد شده در بالا می‌توان به اختلاف سطح موجود، تناسب بین طول خیابان و دهانه ورودی مساجد اشاره کرد؛ ولی در تمام موارد یاد شده هدف عمده در ارتباط با مقوله شهری یکسان است.

به این نگرش، چنانچه قبلاً گفته شد، در اروپا انتقادهای پر دامنه‌ای شده بود و در همان زمان مبانی نظری خاصی تدوین کرده بودند که مداخله در این محدوده‌ها را با نگاه متفاوت مورد بررسی قرار می‌داد که توأم با سایر اصول پیش‌بینی مبدل‌ها یا کاتالیزورها جایگزین دسترسی‌های وسیع و تخریب‌های وسیع می‌شد. اینها اساساً عملکردها و نوع زندگی جدید را با شرایط موجود بافت تطبیق می‌داد. و حیات مناسب را با امکانات موجود پیش‌بینی می‌کرد.

به هر حال، در سالهای مورد بحث در ایران حتی نگهداری از آثار و ابنیه امری دشوار به نظر می‌رسید و آثار موجود منابع خوبی برای تجارت و داد و ستد عتیقه فروشان به حساب می‌آمدند، زیرا گنج بریها و سنگهای حجاری شده و کاشی‌های قدیمی که خیلی هم مورد توجه تجار عتیقه و

1. Upsala.

2. M.H.Vonder osten.

3. ISMEO.

۴. عزت‌الله نکهیان در چهارمین کنگره international association for archeological activity in Iranian art and archeology. New York 1960. در کتاب Survey of Persian art ۱۹۳۵، فصل ۷۵ صفحات ۲۹۳ تا ۲۹۳۲.

۵. در گزارش‌های M.b.Smith در ارتباط با پژوهش‌هایش در ایران از سال ۱۹۳۳ الی ۱۹۳۷ که در مجله ASTA در آوریل ۱۹۳۹ در ص ۲۱۸ به چاپ رسیده، به این مرمت‌ها اشاره شده است. عکس‌های مربوط به بخش اجرایی این مرمت‌ها در بایگانی نوشته Smith Sone یافت می‌شود.

کلکسیونرها بودند، به راحتی قابل حمل و نقل و سوار کردن مجدد بودند. در آن موقع برای پیش‌گیری از این حوادث تنها راه حل قابل ارائه از سوی اداره باستان‌شناسی عبارت بود از جدا کردن تزئینات از ابنیه و انتقال آنها به موزه ایران باستان<sup>(۱)</sup> در تهران و یا ارائه آن به نزدیکترین اداره وابسته به وزارت فرهنگ و هنر در محل.

این‌گونه اقدامات در آن مقطع زمانی برای جلوگیری از سرقت قطعات تزئینی متناسب به نظر می‌رسید، اما از سوی دیگر، باید به عواقب و عوارض منفی این اقدام نیز اشاره کرد. در بهترین شرایط، قطعات و اشیای فوق در انبار موزه‌ها غیر قابل دسترس و ناشناخته باقی ماندند و یا در مواردی مصدوم و متلاشی شدند، و یا به دلیل فقدان یک ساز و کار روشن در جهت تثبیت، از بین رفتند. از سوی دیگر، ارزش هر بنای تاریخی به وحدت بنا، شامل محیط طبیعی، محیط تاریخی، و تزئینات مرتبط با معماری آن است. جدا کردن تزئینات و انتقال آنها به مکان دیگر از ارزش بنا می‌کاهد، مگر در مواردی که راه دیگری جز این برای نگهداری آن وجود نداشته باشد.<sup>(۲)</sup> یکی از فعالیت‌های جنبی اداره باستان‌شناسی، انتشار مجله‌ای تحت عنوان آثار ایران در سال ۱۳۱۵ بامدیریت آندره گدار (سرپرست وقت اداره باستان‌شناسی) بود. این مجله نتیجه تحقیقات، مطالعات و فعالیت‌های اداره یاد شده را منعکس می‌کرد، چنانچه به نوشته گدار در نخستین شماره این نشریه: «در این مجموعه موضوعات قابل مطالعات از طریق مستندات گرافیکی، تصویری و توضیحات تاریخی و نقشه‌ها معرفی می‌شوند».

به هر حال، در سال‌های نخستین انتشار مجله یاد شده، تعداد کثیری از ابنیه ارزشمند توسط محققان برای نخستین بار بازبینی و از آنها عکسبرداری شد و انتشار این اسناد و مدارک اصیل دارای ارزشی معادل اکتشاف آنها بود.

ج. دوره سوم (۱۳۳۹ تا ۱۳۵۶). دوره‌ای که تلاش در ایجاد یک سازمان حفاظتی مدرن به چشم می‌خورد. روش کار این سازمان عبارت بود از تفکیک بخش‌های مختلف حفاظت و پایه‌گذاری مراکز و مؤسسه‌های متناسب برای انجام کارهای اجرایی مربوطه.

اما، تأمین کادرهای اجرایی و مدیریتی برای این مؤسسات نیز از اهداف عمده این اقدام به شمار می‌آید، به نحوی که پژوهشگران و تکنسین‌های ایرانی بتوانند در درازمدت و به تدریج جایگزین افراد خارجی شوند.

پس از کناره‌گیری آندره گدار در سال ۱۳۲۹ (اواخر سال ۱۹۵۰ م.)، مسئولیت و سرپرستی اداره باستان‌شناسی را یک محقق و ایران‌شناس به نام آقای مصطفوی بر عهده گرفت

که مدت‌ها همکار آندره گدار بود. او در همان زمان متوجه محدود بودن فعالیت‌های اداره یاد شده و شاید عدم کارایی آن شد و به همین جهت تصمیم گرفت در تشکیلات و ساماندهی نیروهای تخصصی آن بازنگری کند. ظاهراً اداره باستان‌شناسی به طور رسمی تعطیل نشد، ولی در سال ۱۳۴۳ وزارت فرهنگ به دو بخش آموزش عالی و فرهنگ و هنر تقسیم و اداره یاد شده در وزارت فرهنگ و هنر ادغام شد.

سازماندهی نهائی این اداره پس از برنامه ریزی مجدد از پنج بخش تشکیل یافت که وظایف آنها حفاظت از آثار فرهنگی بود و تحت پوشش وزارت فرهنگ و هنر وقت عمل می‌کردند. اداره کل باستان‌شناسی یکی از این سازمانهاست که به نوبه خود به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شد. از جمله وظایف آنها شناسایی، طبقه‌بندی، و ثبت محوطه‌های باستانی و ابنیه در فهرست ابنیه با ارزش ملی، و نیز برنامه ریزی برای حفاظت و نگهداری از آنها بود.

از سایر وظایف این سازمان می‌توان شناسایی و حفاظت از مراکز قدیمی با ارزش شهری و یا بخشی از آنها را یاد کرد. کارکنان این اداره از متخصصان باستان‌شناس، تاریخ هنر، مهندسان معمار و شهرساز تشکیل می‌شد که جملگی در تهران متمرکز بودند.

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در آبان ۱۳۴۴ توسط وزارت فرهنگ و هنر تأسیس شد.

این سازمان طی ده سال فعالیت اولیه خود به تأسیس دفاتر فنی در تمام استانها توفیق یافت و با انتخاب مهندسان معمار جوان و تکنسین‌های دیپلمه، کادر فنی خود را شکل بخشید. از جمله وظایف این دفاتر، انجام مرمت‌های استحکامی در بناها و مرمت بخش‌های تزئینی و کارهای حفاظتی ساده و پیچیده، و نیز چنین اقدامات لازم برای احیای محوطه‌های تاریخی در ارتباط با کلیه ابنیه به ثبت رسیده بود. این سازمان بیشتر از سایر نهادها از همکاری موسسات خارجی بخصوص گروه‌های ایتالیایی که نظارت علمی عملیات اجرایی، تشکیل و تربیت کادر بومی را به عهده داشتند، برخوردار بوده است. در بعضی شهرها مانند اصفهان، این دفاتر غیر از انجام کارهای اجرایی در چارچوب مسئولیت خود، به یکی از مراکز عمده تحقیقاتی و پژوهشی

۱ - موزه ایران باستان در سال ۱۳۱۶ توسط آندره گدار (سرپرست اداره) به شیوه نئوسانسی ساخته شده است. از جمله قطعاتی که در سال ۱۳۱۶ به بخش اسلامی موزه منتقل شد، می‌توان از محراب گچبری شده امامزاده خاتون در اشرجان از توابع اصفهان نام برد.  
۲ - منشور آتن.

تبدیل شدند که در ضمن از یک آرشیو غنی شامل ابنیه در حال مرمت و یا ابنیه‌ای که می‌توانستند نقش تعیین‌کننده‌ای در مطالعات تاریخ معماری شهرسازی کشور ایفا کنند، برخوردار بودند.

انتشار اطلاعاتی که در ضمن تعمیرات به دست می‌آمد<sup>(۱)</sup>، از نکات در خور توجه در ارتباط با فعالیتهای این سازمان به شمار می‌آید. به طوری که پیشتر گفتیم، نشریه آثار ایران هم در جهت این فعالیت‌ها انتشار می‌یافت.

مرکز تحقیقات باستان‌شناسی<sup>(۲)</sup>، همان‌گونه که از نامش پیداست، وارث اداره باستان‌شناسی بوده و فعالیت خود را در زمینه تحقیق و برنامه ریزی متمرکز کرده بود. از سوی دیگر، این مرکز کنترل حفاریهایی را که از جانب موسسات خارجی تحت نظارت موزه ایران باستان انجام می‌شد، برعهده داشت. این مرکز از سال ۱۳۵۱ به بعد نمایشگاههای سالانه‌ای از کشفیات و آثار به دست آمده در حفاریها برپا می‌کند که این اقدام امکان تبادل اطلاعات ما بین باستانشناسان ایرانی و خارجی را فراهم می‌آورد.

اداره کل موزه‌ها فعالیت چشمگیری نداشته و بیشتر توجه خود را به تأسیس موزه‌های جدید معطوف کرده است. اداره مردم‌شناسی از فعالیت بیشتری برخوردار بود و با گردآوری اشیای قدیمی و نمایش آنها در شهرها بر ارزش معنوی، فرهنگی و اجتماعی این اشیاء تأکید می‌کند. در زمینه گردآوری اسناد تصویری، می‌توان به عکسهای ارزست هولتز<sup>(۳)</sup> که حدود یک قرن قبل در ایران فعالیت داشته اشاره کرد. این اسناد، علاوه بر ارزش زیادی که از لحاظ علم مردم‌شناسی دارند، می‌توانند اطلاعات بسیار ارزشمندی از شهرها و ابنیه زمان را در اختیار پژوهشگران قرار دهند، بخصوص هنگامی که برای مطالعه سیر تحول تاریخ معماری ایران و یا در ارتباط با مرمت بخشهای از بین رفته، یعنی تکمیل خطوط اصلی بنا، به مستندات تصویری نیاز داریم.

چنانچه مشاهده می‌شود، تنها فرق عمده در سه سازمان یاد شده نحوه عملکرد و برخورد هر کدام بامسئله حفاظت از اشیاء و ابنیه است، زیرا به هر جهت مراحل کار هر سه عبارت است از برنامه ریزی و حمایت از اشیاء و ابنیه، حفاظت، نگهداری، مرمت و پژوهش و تحقیق در زمینه آنها بود. با بهبود یافتن شرایط کاری در زمینه سه عامل یاد شده در بالا، یعنی نگهداری، مرمت و پژوهش، می‌توان طی یک برنامه ریزی دقیق نتایج مطلوب‌تری به دست آورد.

در آذرماه ۱۳۴۷، قانونی تحت عنوان خرید اراضی، ابنیه و تأسیسات برای حفظ آثار تاریخی و باستانی به تصویب رسید که در واقع به حریم بناهای ارزشمند مربوط

می‌شود: -

ماده ۱. هر گاه برای حفظ آثار باستانی و تعمیر و مرمت آنها و همچنین بهتر نمایاندن آثار مزبور و انجام عملیات حفاری و بررسی‌های باستانی احتیاج به خرید اراضی و ابنیه و تأسیسات متعلق به افراد یا مؤسسات خصوصی باشد، وزارت فرهنگ و هنر طبق مفاد این قانون عمل می‌کند.<sup>(۴)</sup>

اگر چه این قانون در جهت آزادسازی حریم ابنیه ارزشمند واجد اهمیت فراوانی بود، ولی سوء برداشتهایی نیز در تعبیر مختلف از آن می‌شد. از جمله این که، واژه بهتر نمایاندن آثار، این تفسیر را به ذهن افراد مختلف متبادر می‌کرد که برای ارزش قائل شدن به بنای تاریخی بهتر است حواشی آن از الحاقات تخلیه شود. همین تعبیر باعث مداخله‌های عدیده‌ای در محدوده بناهای ارزشمند شهرهای قدیمی شد که از فاحش‌ترین آنها مداخله در اطراف ارگ علیشاه تبریز در سال ۱۳۵۱ است.

در آبان ۱۳۵۲ قانونی به قرار زیر در مورد ثبت آثار ملی به تصویب رسید:

ماده واحده: به وزارت فرهنگ و هنر اجازه داده می‌شود تا علاوه بر آثار مشمول قانون حفظ آثار ملی مصوب آبانماه ۱۳۰۹، آثار غیر منقولی را که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت باشد، صرفنظر از تاریخ پیدایش آن، با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر در عداد آثار ملی مذکور [در آرد] و در قانون مزبور به ثبت برسانند. آثار مذکور در این ماده مشمول کلیه قوانین و مقررات مربوط به آثار ملی خواهد بود.<sup>(۵)</sup>

ملاحظه می‌شود که قانون فوق فارغ از زمان تاریخی بنا، به ارزیابی آن می‌پردازد و این امر به نوبه خود یک دستاورد به شمار می‌آید که وظیفه مراکز آموزشی را در معرفی ابنیه و بافتهای تاریخی بسیار اساسی می‌کند، تا ضمن ارزیابی ابنیه و بافتهای جهت ثبت آنها نیز کمک کنند؛ از آن زمان به بعد، دانشگاه ملی [شهید بهشتی] در این زمینه بسیار فعال بوده است.

۱ - می‌توان به مجله «فرهنگ معماری ایران» اشاره کرد که انتشار آن از سال ۱۳۵۴ شروع شد؛ در این نشریه گزارشی از کارهای مرمتی در حال اجرا به چشم می‌خورد.

۲ - اطلاعات گردآوری شده در حوزه فعالیت‌های این مراکز، با اسناد به مدارکی که در نشستهای سالانه از سوی این سازمان ارائه شده و اسناد جمع آوری شده در کنفرانسهای گوناگون و نیز صحبت با مسئولان این سازمان، کامل شده است.

3. Ernest Holtzer

۴ - (مجموعه قوانین، مقررات، آئین نامه‌ها، بخشنامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور دفتر امور حقوقی و بین‌المللی، ۱۳۷۶).

۵ - همان‌ماخذ

پس از روشن کردن بندها و حیطة فعالیت مؤسسه‌های یاد شده و روابط بین آنها، شاید ضروری باشد که به چند نمونه از اقدامات حفاظتی که این مؤسسه‌ها در آن زمان انجام داده‌اند، اشاره کنیم.

از جمله فعالیتهای اداره کل باستانشناسی، می‌توان به پیشنهادهای آن در مورد حفاظت و نگهداری از بافت مراکز تاریخی اشاره کرد. هر چند این مقوله جنبه عمومی نیافت و تنها تعداد معدودی از این مراکز قدیم شهری تحت پوشش قرار گرفتند، و از سوی دیگر روش مطالعه و نوع نزدیک شدن به موضوع در آن زمان جای بحث فراوان دارد، با این حال، به مثابه اسنادی دال بر حساسیت مسئولان وقت آن زمان در مورد مراکز تاریخی شهرهای ایران دارای اهمیت است.

پیشنهادها صرفاً جنبه حفاظت غیرفعال داشتند و عمدتاً در ارتباط با مطالعه تاریخ معماری و شهرسازی می‌توانستند به کار آیند. پیشنهادهای عملی در مورد آنها عبارت بودند از تعیین حریم برای فضاهای قدیمی شهری و تعیین فواصل برای حفاظت. در این بخش، برداشت و معرفی محدوده تاریخی در مقیاس‌های قابل قبول انجام نشده و برداشت و معرفی ابنیه تشکیل دهنده بافت نیز به چشم نمی‌خورد.

یکی از شهرهای قدیمی که از سوی اداره کل باستان‌شناسی مورد پژوهش و تحقیق قرار گرفت، شهر یزد است. این شهر از مراکز بزرگ و فعال منطقه جنوب شرقی کشور است که نقطه اوج و شکوه آن به زمانی می‌رسد که بر سر راه کاروانهای شرق قرار داشت. کاروان ادویه در راه شرق به غرب از این مسیر عبور می‌کرد و در سال ۶۵۱ شمسی هنگام بازدید مارکوپولو، شهری بزرگ و غنی توصیف می‌شود که محل تولید ابریشم و انواع پارچه‌های زربفت بوده است. حصار خشتی عظیم شهر (متعلق به قرن ششم هجری شمسی) و ابنیه عدیده‌ای که از آثار منحصر به فرد قرنهای ۶ و ۷ هجری به شمار می‌رفت، تا چند دهه اخیر با بافت پیرامون آن پا برجا بود. این شهر با ویژگی منحصر به فرد و ارتباط بسیار منسجم و مستحکم با ویژگی‌های کویری مورد توجه و مطالعه علاقمندان قرار می‌گرفت.

خصوصیات شهری، معیشتی، و گونه‌شناسی معماری یزد امری نبود که به سادگی بشود از کنار آن گذشت.

شهرهای کویری مانند یزد، با تمام ویژگی‌های خود، به دلیل توسعه روزافزون و غیرمعمول و ناشی از هجوم وسایل نقلیه در معرض دخل و تصرفهای نامتجانس قرار گرفت که نتیجه آن اضمحلال بافت قدیم شهری بود. از عناصر شهری بسیار شاخص که شدیداً آسیب دیده‌اند، می‌توان به

ارزش هر بنای تاریخی به وحدت بنا، شامل محیط طبیعی، محیط تاریخی، و تزیینات مرتبط با معماری آن است. جدا کردن تزیینات و انتقال آنها به مکان دیگر از ارزش بنا می‌کاهد، مگر در مواردی که راه دیگری جز این برای نگهداری آن وجود نداشته باشد.

حصارهای شهر اشاره کرد که هم اکنون فقط قسمت محدودی از آن در بخش شمالی شهر، یعنی جایی که شهر در آن رشد و توسعه کندتری داشته، باقی است. حاصل بررسیهای انجام شده در آن زمان در یزد، عبارت بود از تقسیم بندی مناطق شهری به چهار بخش متفاوت، و ارائه پیشنهاد تدوین ضوابط و مقررات ساختمانی برای سه بخش نخست، در حالی که بخش چهارم برای توسعه آتی در نظر گرفته شده بود.

در این مطالعات، مراکز تاریخی و ارزشمند شهر مورد نظر بوده و برای بخش‌های با ارزش تر فقط ضوابط ویژه‌ای در جهت حمایت و حفاظت، به شرح زیر، تدوین و پیش بینی شده بود:

الف. ممنوعیت تغییر شکل فضایی و کالبدی ابنیه واقع در بافت قدیمی شهر یزد؛

ب. چنانچه در بخشهایی از بافت قدیمی اسناد و شواهد موثق از ابنیه در حال تخریب یا تخریب شده وجود داشته باشد، می‌توان به بازسازی مجدد ساختمان قدیمی یا بخشی از آن اهتمام ورزید. ج. برای بخشهایی از بافت قدیمی که از

اهمیت کمتری برخوردار بودند، امکان جایگزینی فراهم می‌شد و ضوابط مورد نظر برای این جایگزینی بیشتر به محدودیت خلاصه می‌شد؛ از جمله اینها می‌شود کنترل ارتفاع (تراکم)، استفاده از مصالح سنتی و استفاده از گونه سنتی در طرح را برشمرد. پیش بینی، اجرا، و ایجاد شبکه‌های دسترسی در این بخش به مسئولین اجرایی واگذار می‌گردند.

محدودیت‌های بخش سه نیز شامل کنترل ارتفاع، مواد و مصالح مورد استفاده، و جزئیات ساختمانی، اعم از پوشش و در و پنجره‌های چوبی سنتی بوده است.

حریم و رعایت آن برای ابنیه ارزشمند به عنوان یک ابزار قانونی برای حفاظت و نگهداری ابنیه مورد نظر بوده است. چنانچه از موارد فوق بر می‌آید مطالعات انجام شده در آن زمان برای بافت قدیم یزد از ارزش اجرایی و ریشه‌ای برخوردار بوده بلکه بیشتر در جهت آگاهی مقامات محلی و بومی و هدایت آنها



در مسیر یک خط مشی قابل تعمق است.

در همین سالها، می‌توان به تجربه حفاظت کامل ماسوله و ایبانه اشاره کرد، که هر دو به دلیل برخورداری از یک بافت منسجم از ارزش فوق العاده‌ای برخوردارند.

هر چند که هر دو مورد یاد شده تنها به دلیل داشتن یک ارزش محیطی فوق العاده قابل حفاظت بودند، ولی باید اذعان کرد که تمام ارزش محیطی نیز به شدت متأثر از محیط جغرافیائی است. از این رو شیوه‌های ساختمانی، مصالح مورد استفاده و جزئیات اجرایی حاکی از وجود ارتباطی بسیار قوی بین انسان و محیط است که تحت عنوان دست ساخته‌های بشر در دو بافت یاد شده بروز کرده است. سیاست عمده‌ای که در مورد این دو بافت، یعنی ایبانه و ماسوله، دنبال می‌شد با هدف حفاظت فعال بود، ضمن این که مرمت ابنیه پر اهمیت‌تر را نیز مدنظر داشت. برای تحقق این امر، ایجاد شرایط مناسب مالی برای مالکینی که شخصاً قصد انجام کارهایی با هدف نگهداری را داشتند امری اساسی به نظر می‌رسید. به هر حال، یکی از اقدامات تجربه شده که چندان نتیجه بخش نیز نبوده عبارت بود از تعیین حریم قانونی برای ابنیه. این گونه اقدامات که توسط اداره کل باستان‌شناسی انجام می‌گرفت، مبتنی بر ضوابط قانونی مشخصی نبوده بلکه تنها متکی به بند ۹ قانون حفاظت از آثار باستانی، به شرح زیر بود:

«در جهت حفظ آثار تاریخی و محوطه‌های باستانی به ویژه ابنیه و محوطه هائی که به لحاظ تاریخی از ارزش وافر برخوردارند پیش بینی حرائم ویژه امری ضروری است، به نحوی که در آن تأسیس بنای جدید، حفاری، درخت کاری و احداث قبرستان ممنوع باشد، که برای هر دو مورد خاص وزارت فرهنگ تصمیم ویژه‌ای را در جهت حفاظت اتخاذ می‌کند. در صورتی که در تملک اشخاص باشند و مالکین در نگهداری آنها سهل انگاری کنند وزارت فرهنگ حق تعیین مبلغی را به عنوان جریمه دارا می‌باشد.»<sup>(۱)</sup>

چنانچه از متن قانون فوق پیداست، اگر محوطه‌ای تاریخی ثبت نشده باشد، نمی‌توان حریم و فضای حفاظتی برای آن تعیین کرد. از سوی دیگر، در قانون یاد شده به حریم حفاظتی و ابعاد آن اشاره‌ای نشده است، و همین امر سبب تعابیر و تفاسیر عدیده در رابطه با ابنیه و بافتهای قدیم شهری شد.

از سوی دیگر، موارد اشاره شده در بند فوق شامل احداث ساختمان‌های جدید، درختکاری، حفاری و احداث قبرستان، عمدتاً در مورد نیازهای محوطه‌های تاریخی و باستانی کاربرد دارد تا یک بافت قدیم شهری.

از مشاورین مهم این سازمان در آن سالها ایتالیائی‌ها بودند، و از جمله فعالیتهایی که در مدت سیزده سال توسط موسسه ایزمئو<sup>(۲)</sup> در ایران انجام گرفت، می‌توان به دو مورد خاص اشاره کرد. اولی محوطه باستانی تخت جمشید و پاسارگاد، و دیگری شهر اصفهان و حومه آن است.

آنچه در تخت جمشید انجام شد، عمدتاً شناسایی قطعات و مرمت علمی به روش آناستیلوزی<sup>(۳)</sup> بود.

تحقق این امر با استفاده مجدد از قطعات تاریخی که در فرصتهای مختلف و در حفاری سالهای ۱۳۰۹ کشف شده بود، صورت گرفت. این قطعات با پژوهش و مطالعه قطعات یافته شده انتخاب گردیده بود.

مرحله اول مطالعات، تلاش در شناسایی بیشتر و بهتر معماری هخامنشی، شامل روشهای فنی و اجرایی ساختمانی این دوره بود. کشف و شناسایی عناصر و قطعات معماری که تا آن زمان ناشناخته بود، یکی از اقدامات بسیار اساسی در جهت سوار کردن قطعات به شمار می‌آمد. از جمله این موارد، می‌توان به جان پناه کنگره دار متعلق به تراس تخت جمشید اشاره کرد که از آن هیچگونه شکل کاملی در محل به دست نیامده بود. پس از این مقایسه و بازسازی تجسمی و گرافیکی، محوطه توسط کارشناسان تاریخ معماری و مرمت با استفاده از عناصر و قطعات یافت شده در محوطه، جان پناه فوق تکمیل شد.

پس از شناسایی ضلع غربی در خشایار و سایر ابنیه وابسته، مطالعاتی در مورد رواق سالن صد ستون انجام شد که زمینه را برای یافتن ارتفاع و شیوه‌های ساختمانی این سالن میسر کرد.

وظیفه مؤسسه ایزمئو، علاوه بر انجام تحقیقات و اقدامات اجرایی مشروح در بالا، تربیت کادر فنی متخصص بود و در راستای این وظیفه، سوار کردن مجدد قطعات و تکمیل ساختار اصلی تخت جمشید با استفاده از قطعات و مصالح جدید و قابل تشخیص توسط حجاران و استادان آزموده ایرانی انجام پذیرفت.

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی توانست از این تجربه و از کار استادکاران آزموده در سایر محوطه‌ها نیز بهره‌مند شود. نتایج کار گروه متخصصان ایزمئو در اصفهان در ابتدا با دشواریهای زیادی مواجه شد. یکی از این موارد

۱ - همان مأخذ.

۲ - زاندر، جی، مرمت ابنیه تاریخی در ایران، مؤسسه ISMEO، رم، صص ۲۳ الی ۱۲۷.

3. Tilia, A.B, Reconstruction of parapet on the Terace wall at persepolis (in east and west) Vol.19, PP.9-43.

عبارت بود از تطبیق نظریه‌های مربوط به مبانی مرمت و روشهای تحقیق آن با بناهای تاریخی اصفهان، که دارای مصالح و فنون ساختمانی بومی بودند. از این رو، اتخاذ روشهایی که بتواند از ترکیب شیوه‌های جدید مرمت و شیوه‌های سنتی ساختمانی بهره‌گیرند، مطالعه و تحقیقی ویژه را طلب می‌کرد؛ به همین جهت، انتخاب روشی انعطاف‌پذیر در تحقق عملی نظریه‌ها و مبنای مرمت غربی در اصفهان امری اجتناب‌ناپذیر بود. به هر حال، مرمت‌های انجام شده در سه بنای صفوی<sup>(۱)</sup> بر اصول مشروح در زیر مبتنی بود:

استحکام بخشی سازه معماری به شیوه‌ای بسیار سبک. مثلاً استحکام بخشی ستونها در طبقه فوقانی عالی قاپو با استفاده از مهارهای چوبی، و استقرار آرماتور فولادی ظریف در ستونهای چوبی و در سقف آن انجام گرفت. مطالعه و تکمیل خطوط اصلی برخی جزئیات که مکمل معماری بنا محسوب می‌شدند، مانند ترمیم ارسی‌ها و درهای مشبک چوبی از اهمیت زیادی برخوردار بود.<sup>(۲)</sup> از خصوصیات بارز ائینه صفوی، می‌توان به ترکیب هنرمندانه معماری و تزئینات آنها اشاره کرد.

بخش عمده‌ای از تزئینات نقاشی در اصفهان با همکاری مرمت کاران مؤسسه ایزمئو انجام گرفته و نتایج حاصل از آن، شیوه‌ها و روش‌های گرابنهائی است که به یادگار مانده است. مرمت این نقاشی‌ها در ایران توسط مرمت کاران ایتالیایی، همزمان با آغاز مرمت بناها شروع شد، و در این مورد نیز همچون مورد تربیت کادر فنی مرمت سنگ در تخت جمشید، گروهی زیر نظر اساتید فن این کار برای شناخت فنون و روش‌های مرمت تزئینات به کار پرداختند و تعدادی از این افراد با استفاده از بورسیه تحصیلی وزارت فرهنگ و هنر ایران در دوره تخصصی رشته مرمت نقاشی در مؤسسه مرکزی تعمیرات در شهر رم و فلورانس به تحصیل پرداختند. در همین زمان، طرح میدان نقش جهان<sup>(۳)</sup> اصفهان نیز در دستور کار قرار گرفت. هیئت ایتالیایی حفاظت از تمام مراکز تاریخی، شهر اصفهان را مطرح و طرح‌هایی را نیز در همین ارتباط ارائه کرد.<sup>(۴)</sup>

گروه یاد شده، در مسجد جمعه اصفهان ضمن لایه برداری، پی‌گردی و گمانه زنی به مسائل پیچیده‌ای دست یافت. این کارهای تحقیقی هفت سال طول کشید که بخشی از مطالب مکتون مسجد را روشن کرد.

در این کارگاه، عمدتاً از فنون ساختمانهای سنتی برای مرمت استفاده شده، و تدابیری برای سبک‌تر کردن سقف و بهبود کیفیت پوشش‌های منحنی به کار رفته است. ایجاد وحدت و نظم بین بخش‌های موجود و مرمت

شده قبلی و مورد مداخله فعلی، یکی دیگر از اهداف این کار بود.

مرمت استحکامی مقبره پیر بکران در اصفهان از دیگر اقدامات مرمتی در این سالهاست.

از همکاران گروه ایتالیایی می‌توان به مشاورهای آقای پروفیسور سان پائولزی<sup>(۵)</sup> اشاره کرد. همکاری نامبرده در ارتباط با مطالعه و مرمت‌های استحکامی مقبره سلطان محمد خدابنده (مقبره الجایتو) در سلطانیه بوده است.

مرمت این بنا در سال ۱۳۵۱ از سوی سازمان حفاظت ملی آثار باستانی به انستیتو مرمت دانشگاه ملی (شهید بهشتی) واگذار شده بود. از کارهای انجام شده در سلطانیه می‌توان به کامل کردن کاشیکاری سقف گنبد و تزئینات داخلی آن اشاره کرد.

سازمان نوپای ملی حفاظت آثار باستانی در اصفهان، در مواضع معین به دلیل شروع مداخله‌های بی‌رویه در بافت قدیمی در راستای گسترش و توسعه شهر، دارای نقش بسیار حساسی بود و نظرهای آن سازمان برای راه انداختن مباحث اساسی در تعدیل مداخله‌های بی‌رویه نقطه عطفی به شمار می‌آید.<sup>(۶)</sup>

پل شارستان از نمونه‌های بارزی است که در حومه شهر اصفهان قرار داشت و مستلزم نگاه خاص مرمتی بود. مرمت این پل ارتباط عمیقی با محیط طبیعی پیرامون زاینده رود داشت. از این رو، ترکیب آن با این محیط از ویژگی خاصی برخوردار بود که حاصل آن پدیده‌ای تاریخی، طبیعی و کالبدی محیطی، و به بیانی دیگر، امتزاج کالبد تاریخی در بستری طبیعی و تاریخی بود.

این پل با تاریخ شهر رابطه تنگاتنگی دارد و در حول و حوش یکی از مراکز عمده کشاورزی در دوران اولیه اسلام، و در قرون بعدی آن قرار داشت و قدیمی‌ترین پل این شهر محسوب می‌شود. بنای آن به دوره ساسانی نسبت داده می‌شود و در گذر زمان چندین بار مرمت شده است.<sup>(۷)</sup>

1. ZADER, G, Traux de restauration de monuments historiques en Iran, ISMEO, 1968, PP.131\_421.

2. ORAZI, R., The Wooden gratings in the safauid architecture ISMEO, 1976.

۳ - طرح و پروژه نقش جهان اصفهان، رم، ۱۹۷۷.

4. UGRUBE.E.J., Wall Paintings in the 17 the C.monuments of ISFAHAN, university of Harvard, Vol.7, PP.511\_542.

5. Sanpaolesi.

۶. حضور افرادی مانند دکتر باقر آبتاالله زاده شیرازی و همکاران ایشان، در این مورد نقش بسیار سازنده‌ای دارد.

۷. از افراد شاخص که به بهانه پل شارستان، در دفتر فنی سازمان نقش

این پل به دلیل عرض محدود، برای عبور و مرور خودرو مناسب نبود؛ از سوی دیگر، دورتر از آن بود که نقشی در طرح و توسعه شهر و حومه آن ایفا کند، و یا نزدیکتر از آن بود که بتوان آن را به عنوان عنصر تعیین کننده در زیر ساخت‌های مفید روستایی بخش جنوب شرقی اصفهان به حساب آورد. تا اواخر سالهای ۱۹۷۰، تنها خطری که پل را تهدید می‌کرد شرایط جوی بود و فقط چوپانان و روستائیان از روی آن عبور می‌کردند و در زیر آن قالیشویان فضای مناسبی برای کار خویش یافته بودند. ولی در حواشی آن محل مناسبی برای تفریح و تفریح مردم فراهم شده بود.

در اواخر سال ۱۳۴۹، تدبیری برای آن اندیشیده شد، و این زمانی بود که کارهای آب رسانی از رودخانه برای آبیاری اراضی تحت کشت آغاز شد. برای این کار در محل گودی رودخانه، بندی ایجاد کردند که به بالا آمدن سطح آب تا زیر قوسهای پل انجامید، به نحوی که تمام پایه‌های پل به زیر آب رفت. دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی مطالعه این پل را در دستور کار خود قرار داد و پس از بررسی به این نتیجه رسید که تنها استحکام بخشی پدیده و کامل پایه‌های پل نمی‌تواند متضمن تداوم حیات پل در آن شرایط شود. یعنی، علاوه بر نجات سازه پل، مسئله حفاظت از محوطه اطراف رودخانه و ایجاد شرایط و بستری که ادامه زندگی پل را تداوم بخشد، ضروری بود.

به همین دلیل، از سازمان آب و برق درخواست شد که در طرح پیشنهادی خود تجدید نظر کنند، به نحوی که پیکره پل در طی انجام پروژه و طرح آبیاری بدون تغییر باقی بماند، و به تعبیری، باید سطح آب در نزدیکی پل به نسبت به آنچه در طرح اولیه پیشنهاد شده بود، به میزان دو متر پائین تر قرار گیرد. این طرح از نظر اجرایی دارای مشکلاتی بود و از سویی هزینه گزافی در برداشت. ولی پل شارستان به عنوان یک اثر ملی به ثبت رسیده بود و دفتر فنی سازمان با استناد به دلایل فرهنگی، تاریخی، و فنی در حفاظت آن بسیار تأکید می‌ورزید.

سرانجام، سازمان آب و برق موافقت خود را برای تحقیق و ژرف نگری بیشتر در ارتباط با حفاظت این پل اعلام و طرح یاد شده را به مشاور خود واگذار کرد. در مرحله نخست، تأسیس دو سد کوچک در بخش فوقانی پل، و دیگری در بخش تحتانی پیشنهاد شد، به نحوی که با تعبیه دریچه‌های ورود و خروج، سطح آب در آن مکان (محل پل) کنترل شود. از سوی دیگر، یک کانال تاسیساتی مقدار آب لازم در محل پل شارستان را کنترل می‌کرد.<sup>(۱)</sup> سرانجام، راه حل نهایی از میان چند پروژه مختلف برگزیده، و در سال ۱۳۵۴ اجرای آن آغاز شد. در اثر اجرای این طرح پل به حیات

خود ادامه داد ولی تغییرات زیست محیطی زیادی در حاشیه و اطراف آن با اجرای این طرح ایجاد شده بود. از جمله می‌توان به ایجاد دو سد در پائین و بالا و کانال هدایت کننده به طول ۷۵۰ متر در نزدیکی پل اشاره کرد که دارای عرض چشمگیری است. در واقع، اجرای این طرح و پل موجود در بیننده حسی نامأنوس ایجاد می‌کند که ناشی از عدم موفقیت طرح است، زیرا از لحاظ فرم و تصویر، هماهنگی لازم بین سازه‌های جدید اجراء شده و پل تاریخی برقرار نیست.

از سوی دیگر، در حریم پل شارستان، و به طور کلی در حواشی آن، آثار زیادی اجراء شده که به دگرگونی محیط طبیعی آن انجامیده است. با همه این احوال، پل شارستان کماکان به حیات خود ادامه می‌دهد.

مباحث و نظریه‌پردازی‌های مختلفی که پیرامون این امر پا گرفت، حاصل مثبتی داشت که از آن به بعد مداخله در ابنیه مشابه را مشروط به در نظر گرفتن بافت طبیعی و تاریخی بنا می‌کرد. از سایر موارد قابل ذکر در آن سالها، احداث شعبه‌های بانک‌ها در بافت تاریخی و سنتی شهر اصفهان است، که با استقرار پرتراکم خود باعث اختلال در محله‌های قدیمی شهر شده‌اند.

طرح جامع اصفهان خیابانی را خیابان استانداری پیش بینی می‌کرد که در دل بافت قدیم گشوده می‌شد و در مسیر خود یکی از باارزش‌ترین بناهای دوره صفوی، به نام حمام خسرو آقا، را در بر می‌گرفت.

طرح فوق<sup>(۲)</sup> در سال ۱۳۴۷ تصویب شد، بدون این که در آن به آثار و ابنیه تاریخی موجود در بافت قدیمی اعتنایی شده باشد. شریانه‌های پیش بینی شده، بافت موجود را از هم می‌گسست و به از بین رفتن آنها می‌انجامید.<sup>(۳)</sup> موضوع حمام خسرو آقا از جمله وقایعی بود که بیشتر از هر موضوعی ضعف طرح جامع مصوب را در ارتباط با بناهای مشهور

حیاتی در جا افتادن نظریه‌های مربوط به حفاظت بافت طبیعی و بنای تاریخی داشته‌اند، می‌توان دکتر باقر آیت‌الله زاده شیرازی (مدیریت وقت دفتر فنی) و همکاران ایشان، مهندس مینا طلائی و دکتر جلیل عاملی و مهندس فرشته نژاد را برشمرد.

1. Sorgreah, Etude de l'abaissement du plan d'eau au Voisinage du pont de charestan u l'amont du barrage dabchar, Fevrier, 1973.

۲- طرح کوکس.

۳. شماره مخصوص نشریه The architecture Review، جلد 951، CLIX، ماه مه ۱۹۷۶، به اصفهان اختصاص داده شده است، و توسط S.cantacusion, Kbrownne تنظیم شده در (Isfahan the old, Isfahan the met) که در جلد‌های VI، VII سال ۱۹۷۴ در کالج بوستون مقاله اصفهان توسط دکتر باقر آیت‌الله زاده شیرازی در مجلدات فوق به چاپ رسیده است.

مشخص می‌گردد و به راه افتادن مباحثه‌های عدیده و انتشار مقالات فراوانی در سطح ملی و بین‌المللی را در پی داشت، و همین امر باعث توقف عملیات تخریب برمبنای طرح جامع شد. کما این که در سال ۱۳۵۳، امتداد خیابان استانداری در مرحله اجرا بود که سرینته حمام با نوشته‌های مربوطه و تاریخ ۱۱۱۰ هجری شمسی کشف شد، و بالاخره پس از بازدید وزیر فرهنگ و هنر و متوقف شدن کار به مدت ۶ ماه و حصول اطمینان از ارزش هنری تاریخی بنا، کمسیون متشکل از اعضای سازمان ملی حفاظت و وزارت فرهنگ و هنر، تشکیل و حفاظت بنا را مورد تأیید قرار داد.

از این پس، و با متوقف شدن عملیات توسعه خیابان، سرمایه‌گذاران در بدنه خیابان یاد شده آخرین تلاش خود را برای به انجام رساندن مقاصد خود به کار بردند و جابجایی حمام خسرو آقا را برای ادامه خیابان در حال توسعه مطرح کردند. ولی با توجه به شرایط ویژه بنا و مشکلات فنی و پیچیده مستلزم انجام این کار، و با اصرار بجایی که سازمان ملی حفاظت آثار باستانی به عمل آورد، موقعیت حمام در مکان خود تثبیت و حفظ شد. کارهای مرمتی آن نیز در اواخر سال ۱۳۵۳ آغاز شد.

این بنا در انتهای خیابانی وسیع که در حال پیشروی بود باقی ماند، اما باید اذعان کرد که متأسفانه شرایط و بستر ایجاد شده وضعیتی بود که هر آن بنا را تهدید می‌کرد، و مدتی در شهرداری اصفهان در آن زمان این پیشنهاد مطرح شد که از حمام به عنوان عامل جداکننده ترافیکی استفاده شود.

از جمله دستاوردهای آن زمان و بعد از این حوادث در اصفهان، بحث حفاظت و مرمت از بناهای قدیمی واقع در بافت قدیمی شهر بود. این بحث علاوه بر نگهداری و حفاظت از بناها، حفظ کل بافت تاریخی اصفهان را نیز مورد نظر قرار می‌داد؛ نظریه‌ای که می‌توانست به تمام بافت‌های تاریخی کشور تعمیم داده شود. مهمتر از همه این که، توجه مسئولان و دست‌اندرکاران را به این امر خطیر جلب می‌کرد که چه میزان بررسی و کنترل طرح‌های بالا دستی می‌توانست در حفظ و یا انهدام بناها موثر واقع شود.

از رویدادهای قابل اشاره در آن سالها، همکاری بین انستیتو مرمت دانشگاه ملی و سازمان ملی حفاظت آثار باستانی بود که براساس آن از سال ۱۳۵۲، همه ساله یک دوره کوتاه مدت چهار ماهه برگزار می‌شد و مهندسان معمار باستان‌شناس و تکنسین‌ها در آن شرکت می‌جستند. برای تدریس به مهندسان معمار، از اساتید مرمت دانشگاه ملی وقت و سایر متخصصان سازمان ملی حفاظت استفاده می‌شد، که با این اقدام علاوه بر بهره‌گیری دانش پژوهان این رشته، نوعی سرمایه‌گذاری برای سازمان ملی حفاظت آثار

باستانی در ارتباط با تأمین نیروی انسانی قلمداد می‌شد. در این دوره، علاوه بر تدریس مباحث مرمتی و مسائل میراث فرهنگی، فرصت خوبی برای شناسایی افراد علاقمند از بین مهندسان و تکنسین‌ها فراهم می‌شد. دوره یاد شده امکان سفر و شرکت در همایش‌های بین‌المللی را برای کارشناسان فراهم می‌آورد که به این وسیله از تجربه‌های سایر کشورها در این زمینه بهره‌مند می‌شدند. درسهای عمده‌ای که در دوره یاد شده تدریس می‌شد، عبارت بودند از تاریخ معماری، مرمت معماری و برداشت از بناهای تاریخی، شناخت فنون و حفظ تزئینات کاشی، خط و کتیبه‌ها، بازدید از کارگاه‌های مرمت و آشنایی با فنون سنتی مرمتی نیز از جمله برنامه‌های آموزشی دوره یاد شده به شمار می‌آمد.

فقدان درسهایی در ارتباط با مطالعه و شناخت بافت‌های تاریخی و احیای آنها، از کمبودهای اساسی این دوره محسوب می‌شود.

اما، علیرغم کاستی‌های یاد شده، این دوره از اهمیت فراوانی برخوردار بود که در صورت تداوم می‌توانست به یک دوره تکمیلی تمام عیار تبدیل و هر آینه کامل‌تر شود.

#### جمع‌بندی

از مجموع مباحث مطرح شده بر می‌آید که اقدامات مرمتی در ایران از آغاز دوره یاد شده در این گزارش، تا سال ۱۳۵۶، حاصل مجموعه‌ای از عوامل مختلف است که هر کدام به نوبه خود سهمی اساسی در شکل‌گیری روند این امر حیاتی ایفا کرده‌اند، که گاه به صورت قوانین مدون تبلور عینی خود را در آثار و شواهد باقیمانده از گذشته بر جای نهاده‌اند. از این رو، بررسی سیر تحول مبانی نظری مرمت مستلزم نگرشی چند سویه به مقوله‌های فوق است، که ماحصل آن به صورت نظریه، باکار مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی در دوره یاد شده توأم بوده است.

بی‌گمان، از میان تمامی عوامل موجود، مقوله فرهنگی نقشی بنیادین در حساس کردن تمام اقشار جامعه ایفا، و وظیفه کارشناسان را در نگرش به آثار و شواهد گذشته مضاعف می‌کند. می‌دانیم که امروزه حفاظت از میراث فرهنگی در ایجاد تعادل زیست محیطی نیز نقش بازی می‌کند و مرمت حوزه فعالیت خود را از حوزه محدود آثار باستانی به گستره وسیع‌تری گسترده است. این حوزه‌های مختلف مرتبط و وابسته به هم‌اند. از جمله اینها می‌توان از حفاظت و ترمیم خاک کره، گیاه کره، آب کره، کره فرهنگی، جو، سنگ کره و غیره یاد کرد.

از سوی دیگر، امروزه این عوامل در تعاملات اقتصادی و

می‌توان رله آینده را با نگاهی تحلیلی به گذشته ترسیم و گذشته را نیز در آینده فعال کرد.

#### منابع:

1. Pope, A,U, A survey of persian art.
۲. مجموعه قوانین، مقررات، آئین نامه‌ها، بخشنامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور دفتر امور حقوق بین‌المللی سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶.
3. Orazi,R. The Wooden gratings in the safaavid architecture., Ismeo, 1976.
4. R.Paone, & T.K. kirova,Latutela dei beni culte rali in Iran. 1977.
5. Zander, G. Travaux de restauration de monuments historiques en Iran. Ismeo.1968.
۶. آیت‌الله زاده شیرازی، باقر، جزوه درسی طرح مرمت بناها و مجموعه‌های تاریخی، ۱۳۸۰.
۷. مرادی اصغر، محمد، مبانی نظری مرمت از بدو تاسیس اداره عتیقات تا قبل از انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۱.

معیشتی جوامع نیز نقش بازی می‌کنند و کشور ما ضمن برخورداری از چشم اندازه‌های طبیعی بی‌نظیر، از لحاظ دارا بودن ابنیه تاریخی، محوطه‌ها و بافت‌های قدیمی ارزشمند، یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌آید. بدیهی است که پس از یک بررسی تحلیلی می‌توان آینده این حوزه را به عنوان (تز) فعال و زنده در حیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور مطرح کرد و راهکارهای عملی و اجرایی را برای تقویت نگرش حفاظت، مرمت و احیای ابنیه، بافتها و محوطه‌های تاریخی استنتاج کرد.

از این بحثها به این جا می‌رسیم که نقاط ضعف عمده پرداختن به مسئله در دوره‌های مورد بررسی، ابعاد تشکیلاتی، فرهنگی آن بوده است، که در بعد نخست اقداماتی اساسی در دوره بعد از انقلاب اسلامی انجام شده، اما در ابعاد فرهنگی، اجتماعی آن هنوز باید برای رسیدن به هدف نهایی راهی بسیار طولانی طی شود. این هدف با برنامه ریزی بهتر و کارآمدتر، و با فراگیرتر کردن مقوله نگاه به گذشته و مطالعه و برداشت شواهد آن میسر می‌شود. چون این موضوع طیف وسیع و گسترده‌ای از تخصص‌ها و گرایش‌ها را شامل می‌شود، و تنها منحصر به حوزه معماری، شهرسازی، باستان‌شناسی و مردم‌شناسی نیست و در صورت تحقق این امر است که



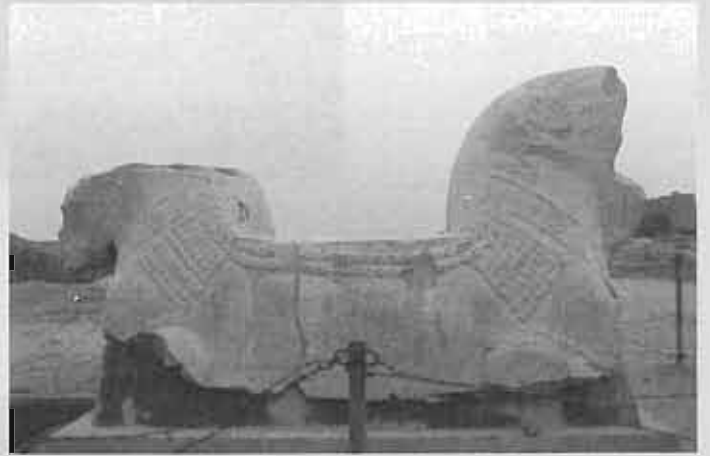
صفه تخت جمشید قرن هفدهم میلادی (سفرنامه شاردن)

بخش فوقانی صفه تخت جمشید قرن هفدهم میلادی (سفرنامه شاردن)

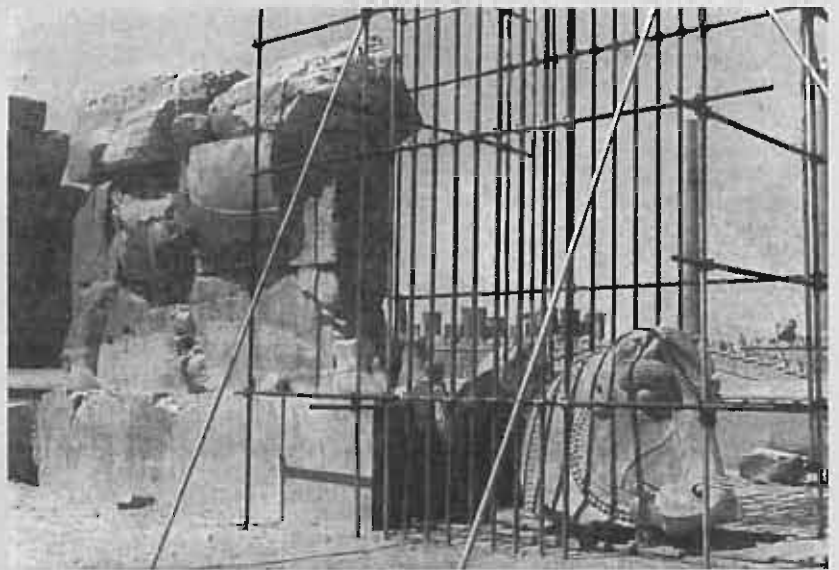




شوش، بقایای ستونهای کاخ داریوش



تخت جمشید کاخ H، چان پناه شاخدار  
در روی صفه عیناً در مکان تاریخی بازسازی شده است.



تخت جمشید، تالار صد ستون،  
سر گاو که تا پای کار حمل شده و آماده برای سوار کردن مجدد است.



شوش، قلعه احداث شده توسط زاک دومورگان و ستونهای باقیمانده از کاخ آپادانا